یادداشت روز

«اسماعیل قاآنی» در مسیر «قاسم سلیمانی»

ساعت ۱:۲۰ بامداد ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ برگی دیگر از جنایت‌های دولت تروریست آمریکا در تاریخ ثبت شد. تروریست‌های آمریکایی با بزدلی و شقاوت، دزدانه در تاریکی شب، خودروی حامل حاج قاسم را هدف قرار داده و این سردار بزرگ و یارانش را به شهادت رساندند. صبح ۱۳ دی ماه، خبر شهادت حاج قاسم اعلام شد. این حادثه جانکاه و تلخ، مردم ایران و دیگر مسلمانان در کشورهای منطقه و آزادی‌خواهان در سراسر جهان را در بهت فرو برد. فقدان شخصیتی همچون سردار سلیمانی در ابتدای امر ملت ایران، مسلمانان و آزادی‌خواهان را دچار دلهره، یأس، خشم و سرخوردگی کرد.

اما «خون حاج قاسم» و سلسله رویدادهایی که در آن مقطع رخ داد و از جملهَ تشییع ده‌ها میلیونی پیکر سردار سلیمانی و یاران وی در شهرهای مختلف ایران و راهپیمایی عظیم مردم عراق و موشک‌باران پایگاه آمریکایی «عین الاسد» و...به مثابه «یوم‌الله» ورق را برگرداند.

به همین دلیل بود که رهبر معظم انقلاب- ۲۹ بهمن ۱۳۹۸- فرمودند:«در شهادت سردار سلیمانی یک فقدان تلخی برای ما پیش آمد... این به جای خود محفوظ...ولیکن وقتی به این حادثه نگاه می‌کنیم می‌بینیم این حادثه مثل همه حوادث دیگر الهی است که لطف خدای متعال در آنها بر قهر غلبه دارد.»

رسانه آمریکایی «نشنال اینترست»- ۲۵ دسامبر ۲۰۲۱ - در تحلیلی نوشت:«تصمیم به ترور ژنرال سلیمانی از آن دسته تصمیم‌هایی در عرصه سیاست خارجی آمریکا است که هیچ توجهی به تبعات و پیامدهای آن نشده بود. رهبران آمریکا باید از این تفکر ساده‌لوحانه که می‌گوید اگر فردی در نقطه مقابل منافع آن است، باید اَو را از بین بُرد، دست بردارند. ترور ژنرال سلیمانی نه‌تنها به منافع آمریکا کمکی نکرد، بلکه عملاً به تهدیدی مستقیم علیه منافع ملی این کشور تبدیل شد و تبعات ناگواری را برای آن ایجاد کرد.»

این رسانه آمریکایی در بخش دیگری از این گزارش اذعان کرد «باید پذیرفت که ترور ژنرال سلیمانی و ابومهدی المهندس، بیش از آنکه به تقویت منافع آمریکا در منطقه و جهان ختم شود، عملا آمریکا را در موقعیت به مراتب خطرناک‌تری در مقایسه با زمانِ حیات این دو فرمانده وارد کرده است.» تقریبا یک‌سال پیش از آن، «کریس مورفی» سناتور آمریکایی در تحلیلی مشابه اعتراف کرد که «سؤالی که باید امروز از خود بپرسیم این است که آیا قاسم سلیمانی به‌عنوان یک فرد زنده برای آمریکا خطر بیشتری داشت یا اینکه به عنوان شخصی که حذف فیزیکی او صورت گرفته است؟!»

و این‌گونه بود که به سبب لطف پروردگار، یک مصیبت بزرگ به یک حماسه تبدیل شد. حماسه‌ای جریان‌ساز که مصداق برتری و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین و غلبه جبهه مقاومت بر جبهه کفر بود. از همان ساعت ۱:۲۰ بامداد ۱۳ دی ماه ۹۸، مقامات آمریکایی و صهیونیستی و عاملان و بانیان ترور حاج قاسم، در دلهره‌ای بدون پایان فرو رفته و لحظه به لحظه زندگی نحس و جهنمی خود را با وحشت از انتقام و هراس از مرگی دردناک سپری می‌کنند.

خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لکِنَّ اللهَ قَتَلَهُمْ وَ ما رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَ لکِنَّ اللهَ رَمی وَ لِیُبْلِیَ الْمُؤْمِنینَ مِنْهُ بَلاءً حَسَناً إِنَّ اللهَ سَمیعٌ عَلیم؛ و شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کُشت. و چون [تیر به سوی آنان] انداختی، تو نینداختی بلکه خدا زد تا به این وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو بیازماید. قطعاً خدا شنوای داناست.»

همان‌طور که دشمنان قسم خورده اعتراف کرده‌اند، «شهید سلیمانی، به مراتب برای آنان خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است.» یکی از مصادیق آن، وضعیت جبهه مقاومت پس از شهادت حاج قاسم است. دشمن به خیال خام خود تصور می‌کرد که یکی از نتایج اصلی و حتمی پس از ترور سردار سلیمانی، تضعیف و افول و حتی از هم پاشیدن جبهه مقاومت است. این پیش‌بینی احمقانه هیچ‌گاه رنگ و بوی واقعیت به خود نگرفت. یکی از دلایل اصلی آن، این است که سردار «اسماعیل قاآنی» دقیقا در مسیر سردار سلیمانی قدم گذاشته است.

به همین دلیل بود که رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیر با خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت سردار سلیمانی با قدردانی از فعالیت‌های تحسین‌برانگیز سردار قاآنی، فرمودند: «الحمدلله خلأ سردار سلیمانی در موارد بسیاری پُر شده است.»

به عقیده کارشناسان، جریان مقاومت پس از شهادت حاج قاسم، نه‌تنها دچار افول و تزلزل نشد، بلکه در شرایطی پیش‌رونده و رو به رشد قرار گرفت. به این موارد توجه کنید:

۱- در هم کوبیدن مواضع گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب در اقلیم کردستان عراق با عملیات موشکی و پهپادی در اوج «جنگ ترکیبی» دشمن علیه ملت ایران. جلوگیری از عرض‌اندام گروهک‌های تکفیری تروریستی در جنوب شرق و جنوب غرب کشور از طریق نفوذ از کشورهای همسایه.

۲- موفقیت چشمگیر لبنان و شکست خفت‌بار رژیم صهیونیستی با ابتکار عمل حزب‌الله و شخص «سید حسن نصرالله» در منازعه منطقه گازی «کاریش». دبیرکل حزب‌الله لبنان با اشاره به این مسئله اعلام کرد: «لبنان به همه آنچه در منازعه گازی با رژیم صهیونیستی می‌خواست رسید.»

۳- اقدامات پیش‌رونده و تصاعدی مقاومت فلسطین در اراضی اشغالی. در روزهای گذشته مرکز داده‌های فلسطینی «معطی» در گزارشی اعلام کرد که در عملیات‌های مقاومت فلسطین در سال ۲۰۲۲ میلادی ۲۵ صهیونیست به هلاکت رسیده و حدود ۴۲۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند که این بالاترین آمار تلفات صهیونیست‌ها از سال ۲۰۱۵ تاکنون است. باید توجه داشت که صهیونیست‌ها تعداد اصلی تلفات خود را اعلام نمی‌کنند.

تا به امروز گروه‌های مقاومت در غزه اصلی‌ترین دغدغه و نگرانی رژیم صهیونیستی بودند اما اکنون تقویت گروه‌های مقاومت در کرانه باختری که هزاران نظامی اسرائیلی در آنجا مستقر هستند، به کابوسی وحشتناک برای صهیونیست‌ها تبدیل شده است.

۴- تضعیف حداکثری و پایدار نقشه‌های آمریکا در عراق و سوریه. محور مقاومت از یک‌سو از بازتولید داعش و گروهک‌های تکفیری در عراق و سوریه جلوگیری کرد و از سوی دیگر پروژه «غربی-عبری-عربی» در حذف جریان مقاومت از عراق و سوریه را ناکام گذاشت.

۵- استمرار و تقویت رویکرد «بومی‌سازی تفکر مقاومت» در کشورهای منطقه و ناکام گذاشتن نقشه شوم «بی‌دولتی» در کشورهای غرب آسیا و ترویج «دیپلماسی بر پایه مقاومت»

۶- فرار مفتضحانه نیروهای تروریست آمریکا از افغانستان و خنثی‌سازی حداکثری پروژه «تبدیل افغانستان به جهنم پس از خروج آمریکا». ایجاد مطالبه عمومی برای اخراج آمریکا از عراق و تبدیل شدن این مطالبه به قانون داخلی در عراق و فراگیر شدن مطالبه اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا.

۷- موفقیت‌های جبهه مقاومت در یمن و ایجاد بازدارندگی پایدار در مقابل جبهه استکبار و...بخشی از شرایط پیش‌رونده و رو به رشد محور مقاومت در سال‌های اخیر و پس از شهادت حاج قاسم است.

امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه)- ۹ تیرماه ۱۳۶۰- در پی فاجعه هفتم تیر و در واکنش به پروژه مذبوحانه دشمن در ترور مقامات جمهوری اسلامی ایران، پیامی صادر کردند. ایشان در بخشی از این پیام خطاب به دشمن و پادوهای آن در داخل فرمودند: «عیب بزرگ شما و هوادارانتان آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن و نه از ملت مسلمان و انگیزه فداکاری او اطلاعی دارید... و نمی‌دانید که در قاموس شهادت، واژه وحشت وجود ندارد.»

اکنون حدود ۳ سال از شهادت سردار سلیمانی سپری شده است؛ اما حاج قاسم هنوز زنده است. زنده‌تر از همیشه. حاج قاسم سلیمانی تکثیر شده است؛ بر همین اساس و به فضل الهی ما شاهدیم که «اسماعیل قاآنی» نسخه دیگری از همان «قاسم سلیمانی» است.

اکنون و در شرایطی که حدود ۱۱۰۰ روز از شهادت سردار دل‌ها سپری شده است، خون حاج قاسم معرکه‌ای به‌پا کرده و این فریاد در اقصی نقاط ایران و سایر کشورهای مسلمان خطاب به نظام سلطه و استکبار طنین‌انداز شده که «ما ملت امام حسینیم؛ ما ملت شهادتیم؛... ما حوادث سختی را پشت سر گذاشته‌ایم... مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می‌دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید، اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم»؛ و مردم از سویدای دل خطاب به حاج قاسم فریاد می‌زنند که «اینک ماییم و یاد تو و راه تو که مقصد آن آزادی قدس شریف است؛ ان‌شاءالله.»

مسعود اکبری

کنعانی: توپ در زمین طرف غربی است

عکس: محمدعلی شیخ‌زاده

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره مذاکرات رفع تحریم‌ها تصریح کرد که توپ در زمین طرف غربی است.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دوشنبه ۱۲ دی ماه در نشست هفتگی با خبرنگاران به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت و به سؤالات مطرح شده، پاسخ داد.

وی درباره اقدامات صورت گرفته در پرونده شهید سلیمانی گفت: اقدامات ایران و دستگاه دیپلماسی و قوه قضائیه در چند سطح با دولت عراق ادامه دارد و اقدامات ایران اقدامات مستمری است.

کنعانی همچنین گفت که جمهوری اسلامی ایران از همه ساز و کارهای مشروع، قانونی و شناخته شده برای به محاکمه کشاندن مجرمان پرونده ترور سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی استفاده خواهد کرد.

سخنگوی وزارت خارجه با اشاره به گفت‌وگوی وزیر خارجه با بورل در اردن درباره مذاکرات وین اظهار داشت: این اتفاق‌نظر وجود داشت که باید مذاکرات را با هدف فعال‌سازی و جمع‌بندی مذاکرات ادامه دهیم و تبادل پیام در سطوح مختلف ادامه دارد.

وی بیان کرد: ایران برای جمع‌بندی مذاکرات وین بر اساس پیش‌نویس بسته مذاکراتی که نتیجه ماه‌های مذاکرات سخت و فشرده است و با رعایت خطوط قرمز خود آمادگی کامل دارد، اما این آمادگی دائمی نیست و اکنون توپ در زمین طرف غربی است.

کنعانی به طرف‌های مقابل توصیه کرد با پرهیز از سیاسی‌کاری و با اتخاذ رویکردی سازنده و واقع‌بینانه تصمیمات سیاسی لازم را برای اعلام توافق بگیرند.

وی افزود: اگر طرف‌های غربی تصور می‌کنند می‌توانند با فشارهای سیاسی و فضاسازی روانی و تبلیغی امتیازات بیشتری در مذاکرات دریافت کنند، قطعا سخت در اشتباهند. در هر توافقی تأمین منافع ملت ایران برای ما یک اصل غیر قابل عدول است.

کنعانی همچنین درباره مذاکرات گفت که توپ در زمین طرف غربی است.

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤالی درباره ادعای مطرح شده درخصوص استفاده از پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین گفت: درباره اتهامات علیه ایران بارها دیدگاه خودمان را در سطوح مختلف اعلام کردیم. تکرار اتهامات کمکی به تایید این ادعا نمی‌کند. به مقامات اوکراینی توجه دادیم از اتهام زنی‌های بی‌اساس علیه ایران دست بردارند.

وی با بیان اینکه مدارکی در این زمینه از سوی اوکراین ارائه نشده، ادامه داد: همکاری‌های دفاعی ایران مبتنی بر منافع و مصالح مشترک براساس قوانین بین‌المللی است.

کنعانی درباره ابتکارات سلطان عمان درخصوص مذاکرات وین اظهار داشت: سفر وزیر خارجه به عمان در چارچوب استمرار گفت‌وگوهای دوجانبه دو کشور و تبادل و رایزنی درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی انجام شده است.

وی ادامه داد: در این سفر امیرعبداللهیان پیام کتبی رئیس‌جمهور را تحویل سلطان عمان داد. دو کشور موضوعات مشترک زیادی برای گفت‌وگو و تبادل نظر دارند. عمان با نگاه به رویکرد توام با حسن نیت برای نقش‌آفرینی مثبت درباره برخی موضوعات ایران دارد طرف مشورت ایران بوده و ابتکارات خود را بیان کرده و شنوای دیدگاه‌های ایران بوده است.

کنعانی همچنین درباره مذاکرات ایران و عربستان گفت: فضای موجود مثبت است و می‌توان با توجه به مذاکرات قبلی امیدوار بود با کمک دولت عراق شاهد برگزاری دور دیگری از مذاکرات باشیم.

باقری: همکاری ایران و آژانس ادامه خواهد داشت

علی باقری معاون سیاسی وزارت امور خارجه در جمع خبرنگاران و در پاسخ به سؤالی درباره گفت‌وگوهای ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: روند گفت‌وگوها یک مسیر پیوسته‌ای بوده و الان هم پیوسته است. وقفه در آن ایجاد نشده است. کارها به طور جدی پیگیری می‌شود و لازم نیست فضاسازی رسانه‌ای صورت بگیرد.

وی درباره سفر گروسی مدیرکل آژانس به تهران افزود: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عضو موثر و مسئول آژانس و NPT و به عنوان کشوری که دارای توانمندی‌ها و دانش و فناوری هسته‌ای است همواره همکاری جدی و موثر با آژانس داشته است و در ادامه این همکاری قطعا ادامه خواهد داشت.

معاون وزیر خارجه درباره پیگیری پرونده ترور شهید سلیمانی نیز اظهار داشت: ما در این‌جا باید تلاش کنیم و از همه ظرفیت‌های ملی خودمان و عراق استفاده کنیم تا بتوانیم در عرصه بین‌المللی سازوکارهایی را تعقیب کنیم که بر اساس آن چارچوب‌ها و مولفه‌های حقوق بین‌الملل، بتوانیم جنایتکاران و تروریست‌ها را مورد پیگرد قانونی قرار دهیم. وی افزود: بحث مستندسازی این پرونده اهمیت زیادی داشته و در ایران و عراق کارهای جدی در این خصوص انجام شده و همچنین ارتباط و اتصال مستنداتی که ما و عراقی‌ها داریم فرآیندی است که به طور جدی دنبال می‌شود و امیدواریم که در دور جدید کمیته مشترکی که بین ایران و عراق است و در آینده نزدیک در تهران برگزار می‌شود، بتوانیم فصل جدیدی را در پیگیری این پرونده شاهد باشیم.

سقوط اپوزیسیون؛ ائتلاف مضحک ربع پهلوی با سلبریتی‌های فراری!

حضور شخصیت‌های زرد و مبتذلی نظیر سلبریتی‌های فراری در رأس معاندین، نشان از قهقرای اپوزیسیون در به میدان آوردن شخصیت موجهی برای مبارزه با جمهوری اسلامی دارد.

افتشاشات اخیر با شعار «زن، زندگی، آزادی» که محصول اتاق فکر مشترک معارضین جمهوری اسلامی از قدرت‌های خارجی گرفته، تا اپوزیسیون خارج‌نشین و سلبریتی‌های فراری بود، علی‌رغم به خدمت گرفتن همه ترفندها و تحقق آن در قالب یک جنگ ترکیبی همه جانبه، به سرنوشت فتنه‌های پیشین گرفتار شد.

سال ۲۰۲۲ هم مثل تمام ۴۳ سال گذشته به پایان رسید و ضرب‌الاجل‌های مکرر براندازان در آن برای پایان کار نظام بدل به سوژه طنزی شد که به ویژه کاربران مجازی با تعابیر جالبی به آن پرداختند.

حالا اما رهبران خودخوانده جنبش گرد هم آمده سخن خود را یکی کرده تا به‌زعم خود بزرگ‌ترین نقطه ضعف «انقلاب ۱۴۰۱» را که فقدان رهبری واحد بود مرتفع کرده و در سال جدید مواجهه قدرتمندتری را با جمهوری اسلامی سامان دهند. انتشار متن مشترکی در صفحات مجازی علی کریمی، مصی علینژاد، حامد اسماعیلیون، گلشیفته فراهانی و نازنین بنیادی با میدان‌داری شاهزاده ناکام رضا پهلوی امری در همین راستا بود.

دیروز و در نخستین ساعات سال نو میلادی متنی به صورت همزمان در صفحات مجازی این افراد با این مضمون منتشر شد که: «با سازماندهی و همبستگی سال ۲۰۲۳ سال پیروزی ملت ایران خواهد بود؛ سال تحقق آزادی و عدالت در ایران». هم‌چنین رسانه‌های معاند از پذیرش شروط رضا پهلوی برای ائتلاف خبر داده و از آن به عنوان ائتلافی غیررسمی با محوریت او یاد کرده‌اند. هرچند به جزئیات این شروط تاکنون اشاره‌ای نشده است.

به گزارش مهر حضور چنین افرادی در رأس معاندین جمهوری اسلامی به تنهایی برای اثبات حقانیت نظام بسندگی دارد؛ روی‌آوردن اپوزیسیون به چنین شخصیت‌های زرد و مبتذلی برای هدایت جریان، حکایت از تهی‌بودن دست آن‌ها از به میدان آوردن فردی واجد شایستگی‌های یک رهبر و در عین حال برخوردار از کاریزمای لازم برای گرد آمدن همه مخالفان نظام ذیل چتر او دارد. حال آنکه اپوزیسیون پیش از این با چهره‌های فرهیخته‌تری به مصاف حکومتی می‌آمد که برآمده از بنیان‌های معرفتی قوی است و ابتناء بر آرمان‌های والا دارد.

چنین ترکیبی برای رهبری جنبش حتی دستاویز طنزپردازی‌ها نیز شده و انتقاد برخی چهره‌های زاویه‌دار با نظام را نیز برانگیخته است؛ توسل رضا پهلوی به‌مثابه رهبر جبهه سلطنت‌طلبان با چهار دهه فعالیت علیه نظام به مشتی سلبریتی برای تداوم حیات سیاسی خویش در مقابله با حکومت از آن جمله است.

ظاهراً این حرکت حقیرانه ربع پهلوی بعد از آن صورت گرفت که برخی مقامات سابق آمریکا مریم رجوی را به عنوان رئیس جمهور حکومت آینده ایران برای فردای براندازی به رسمیت شناخته و در معادلات خود وقعی برای آخرین بازمانده سلطنت قائل نشدند. از این‌رو شاهزاده مفلوک به دریوزگی کسب اعتبار از چهره‌هایی عاری از هرگونه صلاحیت و نخبگی افتاد تا از قافله رهبری در ایران آینده بازنماند!

ناظر به هم‌صدایی افراد مذکور این نکته نیز گفتنی است که شخصیت‌های فوق در شرایطی آغاز و پایان سال میلادی را مبدأ و معیار رؤیاهای خویش عنوان کرده‌اند که در نسبت با مناسبت‌های مذهبی تقویم قمری همواره بر هویت و اصالت ایرانی تأکید داشتند و حالا این‌گونه در برابر تاریخ میلادی بر حساسیت‌های خود چشم پوشیده و به آن تن داده‌اند.

فقدان ایدئولوژی و نخبگی ثمره‌اش در جنبشی تحقق یافت که برای نخستین بار فحاشی و الفاظ رکیک استادیومی را وارد گفتمان اعتراضی کرد و در عرصه عمل به خشونت بی‌سابقه و وندالیسم افراطی دست یازید، که همین دلیل اصلی ریزش بدنه مردمی با حرکتی بود که در ابتدا به گمان اعتراض با آن همراه شده بود. هرچند از حرکتی که دختری فراری و معلوم‌الحال و لمپن‌هایی نظیر علی کریمی هدایت آن را در دست گرفته و آن را راهبری می‌کنند، نتیجه‌ای جز این هم انتظار نمی‌رود.

خبر ویژه

از شعار به نفع اسرائیل تا تظاهر به طرفداری از سلیمانی؟!

دبیرکل سابق حزب اتحاد ملت می‌گوید؛ عده‌ای سعی کردند شهید سلیمانی را مصادره کنند.

علی شکوری راد که اکنون سخنگوی جبهه اصلاحات است، به سایت «جماران» گفته است: شخصیتی که خود سردار سلیمانی در زمان حیاتش به نمایش گذاشت موجب جذب مردم شد و شخصیتی که پس از شهادت او توسط برخی افراد و به‌خصوص رسانه ملی و دستگاه تبلیغات رسمی کشور به نمایش در آمد و متأسفانه بعضا خانواده شهید سلیمانی هم با این رویکرد همراه شدند، موجب شد محبوبیت سردار سلیمانی کاسته و آن چهره نمادین ملی تبدیل به یک چهره جناحی شود.

وی گفت: عده‌ای سعی کردند که شهید سلیمانی را برای خودشان مصادره کنند. شهید سلیمانی بهانه می‌جست تا دیگران را خودی بینگارد، اما دستگاه تبلیغات رسمی کشور بهانه می‌جوید که دیگران را غیرخودی بنامد. این تفاوتی است که بین شهید سلیمانی و دستگاه تبلیغات رسمی کشور وجود دارد؛ چه رسانه ملی و چه سایر تریبون‌ها و دستگاه‌های رسمی و تبلیغاتی کشور. اگر کسی با موضوع حجاب همراه نبود، شهید سلیمانی بهانه می‌جست تا او را هم زیر چتر نظام بیاورد اما کسانی بهانه می‌جویند که مردم را از زیر چتر نظام خارج کنند

شکوری راد افزود: شهید سلیمانی شخصیت ممتازی در بین فرماندهان سپاه داشت؛ بسیار مردم‌دار بود و هیچ کسی را طرد نمی‌کرد. در رابطه با سیاست داخلی هم مداخله نمی‌کرد و اگر هم اظهار نظری داشت، در جهت ایجاد همدلی بود. هرگز به هیچ یک از شخصیت‌های سیاسی کشور، به‌خصوص شخصیت‌های انتخابی مردم، توهین نکرد و آنها را تضعیف نکرد و سعی می‌کرد به گونه‌ای با منتخبین مردم رفتار کند که موجب وهن مردم نشود. همین ویژگی‌ها باعث شده بود علی‌رغم چالش‌های سیاسی که در کشور وجود داشت، کمتر کسی نسبت به شهید سلیمانی احساس منفی داشته باشد.

متأسفانه پس از آن عده‌ای سعی کردند که شهید سلیمانی را برای خودشان مصادره کنند و توجه نکردند که یک سرمایه نمادین باید مورد احترام همه مردم با همه گرایش‌ها باقی بماند. آنها سعی کردند او را برای خودشان مصادره به مطلوب کنند و روی نکاتی از شخصیت ایشان دست بگذارند که موجب دور شدن بخشی از مردم از او شود.

اظهارات این فعال سیاسی مدعی اصلاح‌طلبی در حالی است که عناصر اصلی این طیف، به مدت یک دهه خط و مرام مقاومت را که فرمانده میدانی آن شهید سلیمانی بود، کوبیدند و از هیچ توهین و تهمتی دریغ نکردند. آنها در سال ۱۳۸۸ در حالی که -به دروغ- ادعای تقلب در انتخابات را داشتند، ناگهان خط را عوض کرده و همسو با رژیم صهیونیستی شعار نه غزه، نه لبنان سر دادند. سپس هنگامی که جنگ نیابتی آمریکا و انگلیس و سعودی و رژیم صهیونیستی در عراق و سوریه رخ داد و در حالی که هدف کانونی تروریست‌ها ایران بود، همین افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی، به رویکردی که فرمانده میدانی آن شهید سلیمانی و همرزمانش بودند، حمله‌ور شدند و دوشادوش دستگاه تبلیغاتی غرب، از پشت به رزمندگان مقاومت شلیک کردند. اما با وجود همه خباثت‌ها و ترور شخصیت‌ها و در حالی که سران دولت غربگرا محبوبیت‌شان به زیر شش درصد سقوط کرده بود، محبوبیت سردار سلیمانی قبل از شهادت به ۹۰ درصد رسیده بود. و شهادت هم موجب انفجار انزجار ملت ایران از غرب و غربگرایان در آن تشییع بی‌نظیر شد.

یادآور می‌شود سال ۱۳۹۶ و در ستاد انتخاباتی روحانی، کرباسچی دبیرکل وقت حزب کارگزاران مدعی شده بود جوانان مردم را به سوریه و عراق می‌برند و موجب کشته شدن آنها می‌شوند!

با این اوصاف باید به آقای شکوری راد یادآور شد که کسی دنبال مصادره شهید سلیمانی نیست، اما مکتب آن شهید در کنار همه جاذبه‌های قوی‌اش، دارای چنان دافعه‌های قدرتمندی است که به درستی و دقت، جریان‌های نفاق و تروریست‌های شخصیتی را در چشم مردم، در جبهه مقابل سردار سلیمانی جایابی می‌کند.

اسرائیل: نه جنگ و نه فشار اقتصادی نمی‌تواند مثل توافق، ایران را عقب براند

رئیس سابق اداره اطلاعات ارتش اسرائیل می‌گوید فشار اقتصادی و تهدید نظامی قادر به عقب راندن ایران از برنامه هسته‌ای‌اش نیست و شاید توافق آمریکا با این کشور، اسرائیل و غرب را از برزخ فعلی خارج کند.

ژنرال تامیر هیمن، مدیر موسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی در تحلیلی که از سوی روزنامه اسرائیل‌هیوم منتشر شده، نوشت: ادامه برزخ فعلی درباره برجام به نفع ایران است. غرب اکنون بر سر دوراهی قرار دارد که تعیین می‌کند آیا ایران به یک کشور هسته‌ای (دارای بمب اتمی) تبدیل می‌شود یا خیر. توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) کاملا مُرده است. اما تا آنجا که به اروپا مربوط می‌شود، این توافق همچنان در برزخ است. ایران یک کشور در آستانه هسته‌ای شدن است و در حال حاضر هیچ سازوکار اجرایی وجود ندارد که بتواند آن را از رسیدن به وضعیت یک کشور هسته‌ای بازدارد. بنابراین، انفعال بدترین اقدام است.

اما گزینه‌های موجود چیست؟ برای توقف برنامه هسته‌ای ایران سه راه ممکن وجود دارد. اول، وادار کردن ایران به توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای خود با فشار اقتصادی گسترده و تهدید به حمله نظامی. چنین سناریویی بعید است، زیرا ایران مدت‌هاست متوجه شده که دست کشیدن از توانایی‌ها با هزینه‌های پرخطری همراه است، همان‌طور که اوکراین و لیبی پس از دست دادن دانش هسته‌ای یا زرادخانه خود، متوجه شدند. ایران می‌خواهد از این هزینه گزاف دوری کند.

گزینه دوم، حمله نظامی به ایران است. چنین اقدامی با وجود ممکن بودن، می‌تواند آتش جنگ منطقه‌ای را شعله‌ور کند و منجر به تغییر راهبرد ایران از یک کشور در آستانه هسته‌ای، به کشوری با بازدارندگی و بمب اتمی شود. به بیان دیگر، این گزینه فقط سرعت برنامه هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهد.

و سرانجام، گزینه سوم، تلاش برای دستیابی به توافق هسته‌ای جدید پس از اعلام رسمی مرگ توافق فعلی است. چنین توافقی باید محدودیت‌های قابل راستی‌آزمایی را بر ایران تحمیل کند، به‌گونه‌ای که در ازای لغو تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای نظامی آن را به شدت محدود کند. ما باید از خود بپرسیم این است که آیا چنین توافقی قابل اجرا است و آیا منافع امنیتی اسرائیل را تامین می‌کند یا خیر. البته این مشروط به آن است که ایران مایل به امضای شرایط سخت‌تر تحت ترتیبات جدید باشد.

بزرگ‌ترین نقطه ضعف یک توافق جدید، این است که به حکومت ایران مشروعیت می‌بخشد و موقعیت اقتصادی آن را تقویت می‌کند، بنابراین به‌طور غیرمستقیم به آن کمک می‌کند تا از چالش‌های داخلی نجات یابد. بزرگ‌ترین مزیت توافق جدید با ایران، فقدان بندهای غروب آن است، یعنی تضمین اینکه محدودیت‌های غنی‌سازی و سایر قابلیت‌های مرتبط هسته‌ای ایران (مانند توسعه سازوکارهای ذوب و تسلیح) هرگز منقضی نخواهد شد و این کشور هرگز قادر نخواهد بود به یک کشور هسته‌ای تبدیل شود و با این توافق جدید از مسابقه تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه جلوگیری می‌شود. علاوه‌بر آن، مزیت توافق جدید به این معنی است که اسرائیل مجبور نیست با یک تهدید وجودی مقابله کند.

مشکل اصلی اسرائیل در انتخاب میان این گزینه‌ها نیست، زیرا احتمال اینکه ایران وارد چنین توافق بلندمدت و محدودکننده‌تری شود، بسیار اندک است. نگران‌کننده‌ترین مسئله این است که رهبری ایران ممکن است در پی ادامه وضع فعلی باشد و توافق جدید را نپذیرد. شاید آنها وضعیت کنونی را ترجیح می‌دهند که در آن ایران نزدیک به قابلیت‌های هسته‌ای مبهم است، بدون اینکه برای حمایت از اقتصاد خود تحت‌الحمایه غرب قرار گیرد. این کشور همچنین در تعامل با روسیه است و این حمایت که به مجامع دیپلماتیک گسترش می‌یابد، در نهایت به تغییرات بزرگی در توان نظامی ایران نیز تبدیل خواهد شد.

شاید باید از خودمان بپرسیم: چگونه می‌توانیم پویایی کنونی ایران و غرب را تغییر دهیم و فشار بر تهران را افزایش دهیم؟ هر جایگزینی بهتر از چیزی است که در حال حاضر به‌دلیل انفعال در حال آشکار شدن است. ما موظفیم با دقت راهبردمان در قبال ایران را که ما را به مرحله کنونی رسانده، مورد بازنگری قرار دهیم.

پررویی نجومی در فرافکنی میراث تورمی دولت روحانی

روزنامه اجاره‌ای اعتماد، در اقدامی کاملاً حرفه‌ای، رکورد تورم ۶۰ درصدی در دولت روحانی را که با بهترین رقم در طول ۷ دهه گذشته است، حذف کرد و مدعی شد دولت رئیسی ممکن است رکورد تورم دولت هاشمی را بشکند!

روزنامه اعتماد تحلیلی را منتشر کرد و با عنوان «رئیسی، رکورد هاشمی را می‌شکند» و ضمن آن نوشته است: «بررسی آمارهای تورم در ۷۵ سال گذشته نشان می‌دهد دولت سیزدهم در حال رسیدن به نقطه اوج تورم در سال ۱۳۷۴ است.

نرخ تورم ماهانه در آذرماه ۱۴۰۱، ۴۸/۵٪ بوده است. این مقدار، تورم سال ۱۴۰۱ را به ۴۵٪ رسانده است. این مقدار هنوز از تورمی که در نیمه دهه هفتاد رخ داد، بیشتر نیست، اما اگر به جای آخرین مقدار، متوسط چهار سال منتهی به سال جاری را در نظر بگیریم، خواهیم دید فشار تورمی که در حال حاضر تجربه می‌شود، در ۷۵ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

بررسی روند تورم در ۷۵ سال گذشته نشان می‌دهد بیشترین تورم در سال ۱۳۷۴ رخ داده است.

در سال ۷۴ تورم به ۴۹٪ رسیده بود. در سال‌های قبل از آن،تورم ۳۵٪، ۲۳٪ و ۲۴٪ بود (متوسط چهار سال = ۳۳٪) اما در چهار سال منتهی به ۱۴۰۱، تورم به ترتیب ۴۵٪، ۴۱٪، ۳۶٪ و ۳۶٪ است (متوسط چهار سال = ۴۰٪).

این عملکرد غلط‌انداز در حالی در روزنامه اعتماد منتشر شده که دولت روحانی، آخرین سال کاری خود را با تورم ۶۰ درصد به پایان رساند و دولت رئیسی تا پایان تابستان امسال موفق شد رکورد تاریخی ۶۰ درصدی را به ۴۰ درصد کاهش دهد. در حقیقت دولت روحانی موفق شد رکورد دولت هاشمی را بشکند اما روزنامه اعتماد به جای اعتراف به این واقعیت، سعی کرده علیه دولت رئیسی فضاسازی کند و آرزوی خود را جای تحلیل و خبر جا بزند.

در عین حال باید توجه داشت که اغتشاشات سه ماه گذشته و ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی با چاشنی ارعاب بازاریان و اعتصاب اجباری و... موجب، خسارت‌های اقتصادی از جمله در حوزه تورم شده است؛ که در این زمینه نیز غربگرایان مدعی اصلاح‌طلبی،شریک جرم و جنایت اتاق جنگ اقتصادی- ترکیبی آمریکا و غرب به شمار می‌روند. بنابراین با این اوصاف باید مدال پررویی نجومی را به روزنامه اعتماد تقدیم کرد که در کنار شراکت در فجایع اقتصادی دولت غربگرا و طیف متهم در اغتشاشات اخیر، سنگ مردم را هم به سینه می‌زند و رکورد تورمی دولت روحانی را به دولت میراث‌دار آن تورم نسبت می‌دهد.

چین کاملا از نقش منحصر به فرد ایران در تنگه هرمز آگاه است

تحلیلگر موسسه بین‌المللی کپلر گفت: تنگه هرمز اهمیت خاصی در بازار نفت دارد. ۴۰ درصدنفت مبادلاتی یعنی ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز از طریق نفتکش‌ها از این تنگه عبور می‌کنند. قدرت ایران در اداره تنگه هرمز باعث می‌شود که چین، با وجود ریسک تحریم‌های آمریکا، به واردات نفت از ایران ادامه دهد.

خبرگزاری اصلاح‌طلب ایلنا از قول همایون فلک‌شاهی و درباره وضعیت ایران در بازار نفت چین نوشت: ایران به خاطر دلایل ژئوپولیتیکی و سیاسی به احتمال زیاد سهم خود در بازار چین را نگه خواهد داشت، حتی می‌توانیم شاهد رشد این سهم باشیم. در حال حاضر عربستان دومین تامین‌کننده نفت چین بعد از روسیه که سهم ۱۸ درصد دارد (۱ میلیون و ۸۶۰ هزار بشکه در روز). در حجم صادرات به چین اهمیت ایران تنها بعد از روسیه، عربستان، عراق و عمان است. اما از لحاظ امنیت عرضه، ایران برای چین اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران و عمان هر دو کشورهایی هستند که مالک تنگه هرمز هستند. رئیس‌جمهور پیشین ایران، حسن روحانی و مقامات دیگر، بعد از بازگشت تحریم‌های آمریکا در سال ۱۳